



مطالعه و تحلیل نقش مایه انسانی بر روی قطعه‌های سفالی از تپه بلوچ نیشابور

هادی صبوری^{۱*}، رضا بلندی^۲

* (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری باستان شناسی پیش از تاریخ دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران. HadiSabori^۱@yahoo.com

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه غیرانتفاعی گلستان، گرگان، ایران. RezaBolandy@yahoo.com

چکیده

آثار برجای مانده از گذشته بشر، تصویری نارسا از زوایای مادی و معنوی زندگی او ارائه می‌دهد. بازسازی جنبه‌های ایدئولوژیکی و اعتقادی جوامع باستان براساس بقایای مادی کاریست بس دشوار، و نیازمند رویکردهای تفسیری، توجه به بسترهای ایدئولوژیکی و فکری جوامع در مقیاس زمانی و مکانی خود و تجزیه و تحلیل همه جانبه داده‌های مرتبط با این موضوعات است. از کاوش‌های محوطه نوسنگی بلوچ در بخش غربی دشت نیشابور، قطعه سفالی با نقوش انسانی به دست آمده که با توجه به مقیاس زمانی و مکانی آن منحصر بفرد است. اطلاعات ما از دوره نوسنگی در شمال شرق ایران، به ویژه خراسان، ناچیز است. شواهد به دست آمده از تپه بلوچ در زمینه تفکرات ایدئولوژیکی و بازسازی روند فکری جوامع نوسنگی در منطقه سفید باستان‌شناسی کشور که تصویر نه چندان روشنی از تحولات فرهنگی آن در دوران پیش از تاریخ در دسترس است، حائز اهمیت است. از طرف دیگر، این نقش مایه منحصر به فرد شناسایی شده بر روی قطعه سفالی مذکور و تجزیه و تحلیل آن به لحاظ سبک ترسیمی و جنبه‌های شمایل نگاشتی در دوره نوسنگی مورد توجه است. در نوشتار پیش رو سعی بر آن است تا با نگاهی به بسترهای تاریخی- فرهنگی دوره نوسنگی در خراسان ایران و با تحلیل داده‌های باستان‌شناسی و قوم‌شناسی و تحلیل مقایسه‌ای و طبقه‌بندی موضوعی نمونه‌های مشابه این نقوش سفالی در خاور نزدیک، به اطلاعات مبسوطی از جنبه‌های مادی و معنوی این اثر دست یافت.

اهداف پژوهش:

۱. مطالعه تحلیلی- تطبیقی و طبقه‌بندی نقش انسانی تپه بلوچ در بستر زمانی و مکانی.
۲. استفاده از اطلاعات باستان‌شناختی و داده‌های قوم‌نگاری در راستای تبیین معنای مفهومی و ایدئولوژیکی نقش انسانی تپه بلوچ.

سوالات پژوهش:

۱. جنبه‌های مادی و معنوی متصور از این نقوش انسانی در مقیاس زمانی دوره نوسنگی چیست؟
۲. آیا این نقوش انسانی رقص مانند، تداوم سنت‌های بومی- محلی در طی چندین هزار سال را نشان می‌دهد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۲

دوره ۱

صفحه ۱۰۳ الی ۱۱۹

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴

تاریخ داوری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

کلمات کلیدی

نیشابور،

تپه بلوچ،

نوسنگی،

سفال،

نقوش انسانی.

ارجاع به این مقاله

صبوری، هادی، بلندی، رضا. (۱۴۰۱).

مطالعه و تحلیل نقش مایه انسانی بر

روی قطعه‌ای سفالی از تپه بلوچ

نیشابور. سفالینه، (۲۱)، ۱۰۳-۱۱۹.



[dori.net/dor/20.1001.1.2.6.5](https://doi.org/10.21861/20.1001.1.2.6.5)



dx.doi.org

مقدمه

در مسیر تغییر و تحولاتی که در طی هزاران سال بر ساختار زندگی بشر وارد شده، سفال، به‌عنوان یکی از دست ساخته‌های بشر، همواره متأثر از تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. این تحولات را می‌توان علاوه بر تکنیک ساخت، در نقوش مختلف ایجاد شده بر آثار سفالی پیش از تاریخی ایران، از جمله نگاره‌های انسانی، مشاهده نمود. این نقوش انسانی در ارتباط با مسائل اجتماعی، اقتصادی و اعتقادی، در بُعد زمانی و مکانی خود قابل تفسیر و تحلیل هستند. گذر انسان از دوره پارینه سنگی به دوره نوسنگی، و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی ایجاد شده در این رهگذر، موجد نگرشی جدید در خلق آثار گردید. کشاورزی و گله‌داری منجر به استقرار و یکجانشینی و نوعی نظام اقتصادی و ثبات اجتماعی را باعث شد و تحت تأثیر این امر، ثبات اندیشه و تفکر معنوی انسان نیز دچار تحول و دگرگونی گردید. با توجه به یافته‌های مربوط به نقوش انسانی در دوران پیش از تاریخ، به نظر می‌رسد باورهای اعتقادی و ماوراءالطبیعه در دوران قدیمی‌تر (نوسنگی و مس‌سنگی) محور اصلی نقوش انسانی بوده که به تدریج در ادوار جدیدتر به سمت موضوعات روزمره کشیده شده و کم‌کم جنبه تزئینی به خود گرفته است.

استقرار بلوچ محوطه‌ای است در دشت نیشابور در شمال شرق ایران، در میان داده‌های سفالی به‌دست آمده از آن، یک قطعه سفال با نقش مشبک دو یا سه انسان به رنگ قهوه‌ای در زمینه نخودی شناسایی شده که براساس رهیافت مقایسه‌ای، به دوره نوسنگی متعلق است. با توجه به مدارک باستان‌شناختی موجود، نقش‌مایه مذکور یکی از نمونه‌های نادر عصر نوسنگی است که به لحاظ طرح موضوع، سبک نقوش و جنبه‌های شمایل‌نگاشتی در بستر زمانی و مکانی خود، در حوزه شمال شرق ایران نیز بسیار قابل توجه است.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که هرچند آثار متعددی به بررسی نقوش انسانی سفالهای نیشابور پرداخته‌اند اما تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. در پژوهش حاضر سعی شده است تا با تکیه بر شواهد موجود و با مطالعه موردی این نقش‌مایه و مقایسه آن با حوزه‌های مختلف فرهنگی ایران و خاور نزدیک به مسائل مرتبط با جنبه‌های احتمالی ایدئولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی آن در بستر زمانی و مکانی خود، پاسخ داده شود. همچنین ذکر این نکته ضروریست که عدم پیچیدگی و پیشرفتگی استقرارهای حوزه شمال شرق ایران، دلیل قابل اتکا و متقنی برای وجود نداشتن برخی داده‌های این چنینی نیست؛ بلکه باید سهم بیشتری را برای کمبود مطالعات باستان‌شناختی منسجم و فرآیندهای دگرگون‌ساز در این حوزه قائل شد.

۱. جایگاه مطالعات نوسنگی در خراسان غربی^۱

مطالعات باستان‌شناختی منسجم در حوزه خراسان غربی، به‌ویژه در دوره پیش از تاریخ، بسیار محدود بوده است و در این امر همواره عوامل متعددی دخیل بوده است: نقصان مدیریت، بخشی‌نگری، فعالیت‌های باستان‌شناختی پراکنده و

^۱ - منظور از خراسان غربی، بخش ایرانی خراسان بزرگ یا سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبیست.

اندک در سطح منطقه، توجه بیشتر به دوران متأخرتر، به دلیل در دسترس بودن آثار آن و عدم توجه به فرآیندهای شکل‌گیری و پس از نهشت شدن از جمله این موارد هستند (صبوری، ۱۳۹۲: ۱۰۲-۱۰۱). تا قبل از شناسایی تپه بلوچ، هیچ استقراری در ارتباط با دوره نوسنگی در این حوزه جغرافیایی مشخص نشده است (Garazhian, ۲۰۱۳: ۲۹).

برای این موضوع نیز می‌توان موارد زیر را در نظر گرفت:

۱. محوطه‌های نوسنگی به راحتی در سکونتگاه‌های امروزی خراسان غربی در دسترس نیستند (گاراژیان، ۱۳۸۷b؛ تصویر ۱و۲).

۲. ویژگی‌ها و مشخصه‌های فرهنگ نوسنگی در خراسان تا کنون ناشناخته مانده است (گاراژیان، ۱۳۹۱ و ۱۳۸۷a؛ ملک شه‌میرزادی، ۱۳۸۲؛ طلایی، ۱۳۷۹؛ ۲۰۰۲؛ Hiebert & Dyson, ۱۹۸۴؛ Kohl et al., ۱۹۸۴؛ Kohl & Heskell, ۱۹۸۰)؛ و بررسی‌ها و بازدید محوطه‌ها اغلب به صورت غیر سیستماتیک و بدون حضور متخصصین پیش از تاریخ انجام شده است.

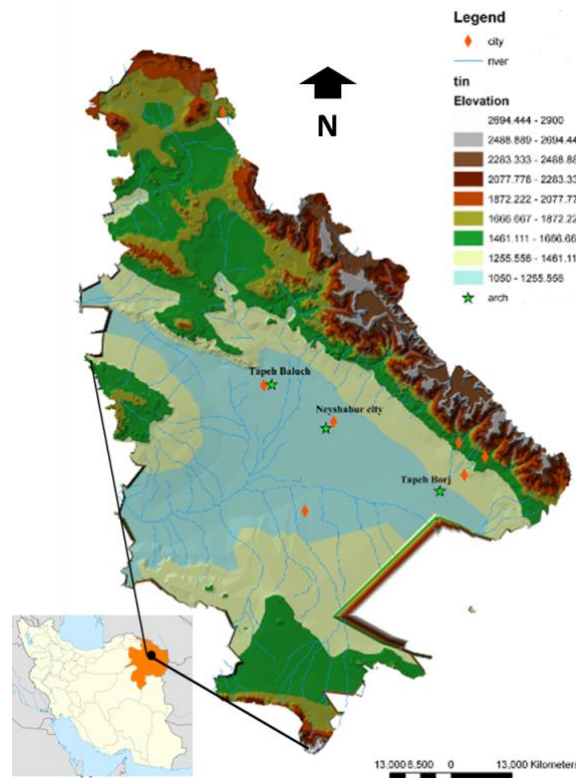
۳. شناسایی محوطه‌های نوسنگی در این چشم‌انداز، به دلیل فرآیندهای شکل‌گیری محوطه و محیط‌های رسوبی آن مشکل است (گاراژیان، ۱۳۸۷b).

۴. فرآیندهای طبیعی و فرهنگی و اثرات آن در این دشت، دسترسی ما به محوطه‌های نوسنگی را مشکل یا غیرممکن ساخته است. این مشکل ناشی از رویکرد باستان‌شناسی خراسان غربی با تمرکز بر دوره‌های اسلامی در این دشت است (گاراژیان، ۱۳۹۱). بدین ترتیب استقرار بلوچ تنها محوطه نوسنگی شناسایی شده در خراسان غربی است که در زمینه مطالعات تحولات فرهنگی این دوره از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۲. تپه بلوچ، چشم‌انداز طبیعی و فرهنگی

استقرار بلوچ^۲ محوطه‌ای است در حوالی روستای تقی آباد به فاصله ۱۷/۵ کیلومتری غرب شهر فعلی نیشابور در استان خراسان رضوی که در حوزه فرهنگی و سیاسی شمال شرق ایران قرار می‌گیرد (تصویر ۱). این تپه شامل دو برآمدگی شمالی- جنوبی است که در مختصات جغرافیایی "۳۶'۱۸" شمالی و "۲۸°۳۶'۵۸" شرقی قرار گرفته و ارتفاع آن نسبت به آب‌های آزاد ۱۲۲۰ متر است. کاوش لایه‌نگارانه این تپه در تابستان ۱۳۹۰ به سرپرستی عمران گاراژیان به اجرا درآمد (گاراژیان، ۱۳۹۰). و آثار دوره نوسنگی و آهن در آن شناسایی شد (تصویر ۲). به لحاظ زیست محیطی، امروزه تپه بلوچ توسط زمین‌های حاصلخیزی احاطه نشده است، همچنین در لایه‌های مختلف نوسنگی، هیچ‌گونه ساختار معماری به دست نیامده، تنها در مواردی انباشتی از سنگ‌ها به همراه اجاق‌ها و خاکستر شناسایی شده است.

^۲ - نام این مکان از اقوام بلوچ گرفته شده است (مهاجرین از استان سیستان و بلوچستان واقع در جنوب شرقی ایران) که تا کمتر از پنجاه سال قبل به صورت فصلی در این منطقه سکنی می‌گزیدند.



تصویر ۱: توپوگرافی دشت نیشابور و موقعیت محوطه بلوچ (Garazhian, ۲۰۱۳: Fig.۲)

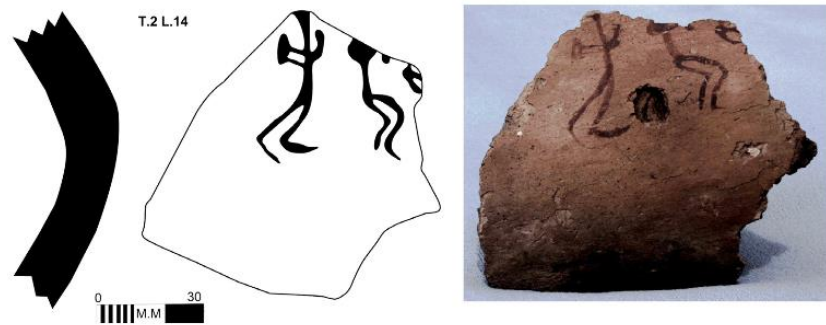
بدین ترتیب، بافتارها و مواد باستان‌شناختی، نشان‌دهنده بقایای برجای مانده از دوره نوسنگی هستند. با نگاهی به کیفیت و کمیت منابع طبیعی، به نظر می‌رسد که این محوطه به صورت یک استقرار فصلی بوده است (Garazhian, ۲۰۱۳: ۳۰). به لحاظ زیست بومی، موقعیت محوطه باستانی وابسته به رودخانه و تپه‌های طبیعی اطراف بوده است. ارتباط و برهم کنش میان محوطه و رودخانه، این اجازه را به ما می‌دهد که فرض کنیم بخشی از بقایای باستان‌شناختی توسط جریان‌های سیلابی، طی فرایندی بلند مدت از بین رفته و امروزه در دسترس نیستند.



تصویر ۲: نمایی از تپه بلوچ و نهشته‌های آن (Garazhian, ۲۰۱۳: Fig.۵)

۳. قطعه سفالی با نقش انسانی

طی کاوش در در گمانه لایه‌نگاری ۲ در لایه ۱۴ که براساس داده‌های سفالی مربوط به دوره آغازین نوسنگی با سفال در نظر گرفته شده، قطعه‌ای سفالی از بدنه یک ظرف با نقوش انسانی شناسایی شده که در بُعد زمانی و مکانی خود بی‌نظیر است (گاراژیان، ۱۳۹۰؛ ۲۶: ۲۰۱۳: Garazhian, ۲۰۱۳). ارتفاع این قطعه سفالی ۸ سانتی‌متر و ضخامت آن به‌طور متوسط ۱۴ میلی‌متر است. این قطعه سفالی خشن با خمیره نخودی متمایل به قهوه‌ای و آمیزه شن و ماسه درشت به‌صورت زمخت است. به‌نظر می‌رسد حرارت برای پخت آن ناکافی بوده است. پوشش داخلی و خارجی آن نخودی رنگ بوده و نقوش انسانی در سطح خارجی آن به رنگ قهوه‌ای تیره، به‌صورت کاملاً تجریدی، ترسیم شده‌اند. این نقوش به‌صورت کاملاً طبیعت‌گرایانه ایجاد شده و قلم آزاد هنرمند در ترسیم آن به‌وضوح نمایان است.



تصویر ۳: قطعه سفالی با نقوش انسانی از تپه بلوچ نیشابور (Garazhian, ۲۰۱۳: Fig. ۱۸)

۴. توصیف نقوش

بر روی قطعه سفال مذکور صحنه‌ای از سه انسان به‌صورت نیم‌رخ یا سه‌رخ که تصویر دوتا از آن‌ها کامل بوده و دیگری تنها قسمت‌هایی از دستش نمایان است، دیده می‌شود. این نقوش بصورت کاملاً ساده و تجریدی ترسیم شده‌اند، به‌طوری‌که هیچ قسمتی از جزئیات صورت، سر و بدن نشان داده نشده است. جنسیت افراد نیز دقیقاً مشخص نیست. به‌نظر می‌رسد افراد بدون داشتن پوششی خاص درحالی‌که دست‌هایشان را از یکدیگر باز کرده و رو به بالا گرفته‌اند و پاهایشان از زانو خم شده ترسیم شده‌اند. این فرم بدن تداعی کننده تحرک زیاد و جست‌وجوی آن‌هاست؛ به‌طوری‌که هر یک از افراد حاضر در صحنه در جهات مختلف در حال انجام حرکات خود هستند. به‌نظر می‌رسد در دست فردی که تصویرش کامل است، شیء قرار دارد که ماهیت آن چندان مشخص نیست. مطمئناً افراد حاضر در صحنه در یک مراسم خاص در حال انجام حرکات موزون یا به نوعی رقص هستند. اگرچه استفاده از داده‌های قوم‌نگارانه با توجه به این مقیاس زمانی نسبتاً طولانی برای تفسیر و توضیح این نقوش چندان منطقی به‌نظر نمی‌رسد، اما باید اذعان کرد که این تصاویر یادآور نوعی رقص محلی خراسانی با ریتم تند است که در آن فرم بدن، حرکات دست و پاها و جهات مختلف حرکت، با نقوش موجود بر روی این قطعه سفالی کاملاً هم‌خوانی دارند (تصویر ۴).



تصویر ۴: صحنه‌هایی از رقص محلی خراسان با حرکات موزون و تحرک بالا (تصویر از نگارندگان)

۵. تجزیه و تحلیل نقوش در بافتار فرهنگی خود

تجزیه و تحلیل نقوش این چینی در بستر زمانی خود در یک جامعه ساده آغاز عصر نوسنگی، بدون پیچیدگی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کاری بسیار دشوار است. تنها موارد قابل اتکا، بررسی داده‌هایی است که در همان بافتار فرهنگی و در ارتباط با این قطعه سفالی شناسایی شده‌اند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد این قطعه سفالی از لایه ۱۴ گمانه لایه‌نگاری ۲ در تپه بلوچ به دست آمده است. درست در همین لایه، یک ساختار بسیار مهم شناسایی شده که در ارتباط با جنبه‌های آئینی و ایدئولوژیکی قابل تفسیر و تجزیه و تحلیل است. این ساختار به صورت مجموعه‌ای از یک سطح سنگ‌چین است که بر روی آن دو شاخ بز کوهی یا قوچ متصل به بخشی از مجسمه نصب شده است (Garazhian, ۲۰۱۳: ۲۶) (تصویر ۵).



تصویر ۵: شاخ‌های یک پستاندار (احتمالاً بز و وحشی یا قوچ) بر روی قطعات سنگی در بافتار اصلی خود، (Garazhian, ۲۰۱۳: Fig. ۲۱)

در اطراف شاخ‌ها، به صورت پراکنده، سنگ‌هایی آغشته به گل اخرا به دست آمده است. ساختارهای این چینی در محوطه‌های نوسنگی چاتال هویوک (Mellaart, ۱۹۶۲ & ۱۹۶۳) در جنوب ترکیه و گنج‌دره (Smith, ۱۹۷۸) در غرب ایران گزارش شده که به عنوان ساختارهای مذهبی و آئینی و در ارتباط با جنبه‌های ایدئولوژیکی جوامع نوسنگی معرفی شده‌اند. بدین ترتیب وجود چنین ساختاری آئینی هم‌زمان با قطعه سفال مذکور، تفاسیر جدیدی را در ارتباط با جنبه‌های ایدئولوژیکی و آئینی نقوش انسانی مذکور تداعی می‌کند. با توجه به این موارد، به نظر می‌رسد افراد حاضر در این صحنه با انجام حرکاتی خاص در یک مراسم آئینی در حال انجام نیایش هستند. همچنین ذکر این نکته ضروریست که موارد مذکور در حد فرضیاتی هستند که بر اساس مدارک و شواهد موجود مطرح شده‌اند و برای اثبات و رد آن‌ها نیاز به مطالعات و تحقیقات منسجم و همه جانبه‌تر احساس می‌گردد.

۶. تحلیل گونه‌شناختی و مقایسه‌ای نقوش انسانی

محققین و باستان‌شناسان انگشت شماری به مطالعات و تحقیقات تخصصی در زمینه نقوش انسانی بر روی آثار سفالی پرداخته‌اند (Dunn-Vaturi, ۲۰۰۳؛ Gabbay, ۲۰۰۳؛ Colon, ۲۰۰۳؛ Garfinkel, ۲۰۰۳ & ۲۰۰۳). در این میان یوسف گریفینکل جامع‌ترین و کامل‌ترین اطلاعات را در زمینه مطالعات گونه‌شناختی نقوش انسانی بر روی آثار سفالی پیش از تاریخ در سرتاسر جهان، بویژه خاور نزدیک، ارائه داده است (Garfinkel, ۲۰۰۳). وی همچنین با مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای نقوش انسانی، تقسیم‌بندی‌هایی را در زمینه فرم و شکل بدن، سبک ترسیم نقوش و... ارائه داده است. در اینجا سعی خواهیم کرد نقش انسانی بدست آمده از تپه بلوچ را در چارچوب این تقسیم‌بندی‌های گونه‌شناختی توصیف و تفسیر کنیم:

۱- در نمودار زیر سبک‌های مختلف ترسیم نقوش طبقه‌بندی شده‌اند: سبک طبیعت گرایانه، سبک خطی، سبک هندسی و سبک‌های میان سبکی. با نگاهی به نقش انسانی تپه بلوچ و مقایسه با دیاگرام ارائه شده، جایگاه این نقوش مابین سبک طبیعت گرایانه و خطی با تمایل بیشتر به سبک طبیعت گرایانه قرار می‌گیرد (تصویر ۶).



تصویر ۶: دیاگرام سبک‌های نقوش انسانی و جایگاه نقش انسانی تپه بلوچ در آن (Garfinkel, ۲۰۰۳: Fig-۸,۸)

۲- براساس جدول ارائه شده (جدول ۱) از تقسیم‌بندی‌های مربوط به فرم بدن، شکل دست‌ها و پاها و..... نقش مورد نظر ما از تپه بلوچ با اشکال Gc و Bc و Ec مطابقت دارد. در این تصاویر فرد بصورت نیم‌رخ، در حالی که زانوها خم شده و دست‌هایش را از هم گشوده و رو به بالا گرفته نمایش داده شده است.

جدول ۱: تقسیم‌بندی نقوش انسانی بر اساس فرم و حرکت دست و پاها (Garfinkel, ۲۰۰۳: Fig-۲,۳)

	A	B	C	D	E	F	G	H	I
a									
b									
c									
d									
e									

نمونه‌های متعددی از نقوش انسانی بر روی آثار مختلف فرهنگی در محوطه‌های خاور نزدیک از دوره نوسنگی تا مس سنگی شناسایی شده است که بدون در نظر گرفتن بعد مکانی و زمانی و صرفاً به لحاظ سبک نقوش و جنبه‌های شمایل نگاشتی تا حدودی با نمونه مورد مطالعه از تپه بلوچ قابل مقایسه و تفسیر است. در ادامه به هر یک از این نمونه‌ها به اختصار پرداخته می‌شود:

نقاشی دیواری با موضوع صحنه شکار از محوطه چاتال هویوک: این محوطه یکی از وسیع‌ترین و مهم‌ترین استقرارهای دوره نوسنگی در خاور نزدیک است که در فلات آناتولی در دشت وسیع کونیا (Konya) قرار گرفته است. آثار بسیار قابل توجهی از دوره نوسنگی از این محوطه به دست آمده است. یکی از این آثار صحنه‌هایی از یک نقاشی دیواری است که در آن افراد متعددی در حال جست‌وخیز و شکار می‌باشند (تصویر ۷). شیوه ترسیم نقوش کاملاً طبیعت

گرایانه است. اگرچه موضوع صحنه شکار است، اما محققین آن را بعنوان یک رقص مذهبی^۳ و رقص شکارچیان^۴ معرفی می‌کنند (Garfinkel, ۲۰۰۳: ۶۰). با توجه به بعد زمانی تقریباً یکسان با تپه بلوچ و بدون در نظر گرفتن بعد مکانی، به لحاظ سبک ترسیمی نقوش در برخی جزئیات از قبیل فرم بدن، حرکات دست و پاها و تحرک زیاد افراد، تا حدودی قابل مقایسه با نقش انسانی تپه بلوچ است.



a



b

تصویر ۷: نقاشی دیواری بدست آمده از چاتال هویوک با موضوع شکار و رقص مذهبی (Mellaart, ۱۹۶۳: Pl.XLV & LIV)

- نقش انسانی از تپه گاورا (Tepe Gawra): تپه گاورا استقراری مربوط به فرهنگ حلف (هزاره ۵ پ.م) در منطقه موصل در شمال عراق است. از این محوطه یک ظرف سفالی با نقش انسانی شناسایی شده که بدون در نظر گرفتن بعد مکانی و زمانی به لحاظ سبک ترسیمی و فرم بدن قابل مقایسه با نمونه تپه بلوچ می‌باشد (تصویر ۸).



تصویر ۸: ظرف سفالی با نقش انسانی از تپه گاورا (Tobler, ۱۹۵۰: Pl.LXXV a-b)

- نقش انسانی محوطه ساکچه گوزو (Sakje Gozu): این استقرار مربوط به فرهنگ حلف بوده و در جنوب شرقی ترکیه قرار دارد. بر روی یک قطعه سفالی نقش انسانی بصورت طبیعت‌گرایانه ترسیم شده است (تصویر ۹). بدون در نظر گرفتن مقیاس زمانی و مکانی این نقش در برخی جزئیات با نمونه تپه بلوچ قابل مقایسه است.

۵- A ritual dance
۶- Dance of the hunters



تصویر ۹: قطعه سفالی با نقش انسانی از محوطه ساکچه گوزو (Garstang et al, ۱۹۳۷: Pl. XXV-۱۵)

- نقش انسانی تپه سبی ابیاد (Sabi Abyad): این محوطه مربوط به فرهنگ حلف بوده و در دره بالیغ در شمال سوریه واقع شده است. در اینجا بر روی یک قطعه سفالی تصویر دو انسان به صورت نیم‌رخ به حالت طبیعت‌گرایانه شناسایی شده است (تصویر ۱۰). به نظر می‌رسد این نقوش در برخی جزئیات قابل مقایسه با نمونه تپه بلوچ باشند.



تصویر ۱۰: قطعه سفالی با نقش انسانی از محوطه سبی ابیاد (Akkermans & Le Miere, ۱۹۹۲: Fig. ۲۱-۴۰)

در اینجا ذکر این نکته ضروریست که اگرچه مقایسه نقش انسانی تپه بلوچ با سایر محوطه‌های خاور نزدیک به لحاظ مقیاس زمانی و مکانی چندان منطقی به نظر نمی‌رسد، اما بدلیل کمبود شواهد و مدارک باستان‌شناختی در این حوزه، ناگزیر به استفاده از این اطلاعات هستیم.

نتیجه‌گیری

وجود نقوش انسانی بر روی آثار سفالی دوره نوسنگی، بالاخص آغاز نوسنگی با سفال، به خودی خود منحصر به فرد است. از طرف دیگر شناسایی یک محوطه نوسنگی در منطقه سفید باستان‌شناسی ایران با چنین جنبه‌های پیچیده و مبهم فرهنگی خود سؤالات بسیاری را بر سر راه محققین قرار می‌دهد. همان‌طور که می‌دانیم مطالعات پیش از تاریخ در خراسان غربی در اول راه خود است. در ارتباط با دوره پارینه سنگی، بویژه روند انتقال از پارینه سنگی به نوسنگی هیچ‌گونه اطلاعاتی در دسترس نیست. جنبه‌های مختلف فرهنگی دوره نوسنگی در این حوزه شناخته شده نیست و استقرار بلوچ تنها محوطه نوسنگی شناسایی شده در خراسان غربی است که مطالعات آن در مرحله مقدماتی خود بسر می‌برد. در زمینه مطالعه فرهنگ‌های عصر مس سنگی و مفرغ، نیز اطلاعات منسجم و همه‌جانبه‌ای در دسترس نیست. بدین ترتیب نمی‌توان به چگونگی روند تطوری فرهنگ‌های پیش از تاریخی در این حوزه پی برد و جنبه‌های مادی و معنوی آن را در بستر فرهنگی خود مطالعه و تجزیه و تحلیل کرد.

ظهور نقوش انسانی بر روی آثار سفالی از هزاره پنجم پیش از میلاد فراگیر شد؛ با آغاز هزاره پنجم پیش از میلاد تحولات عمده‌ای در زوایای مختلف زندگی بشر روی داد. این تحولات در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیکی تغییر نگرش در عقاید و تفکرات انسانی را به همراه داشته است. ظهور نقوش انسانی بصورت دسته جمعی و در حال انجام حرکات موزون و منظم (رقص) در بسیاری از محوطه‌های خاور نزدیک بویژه ایران از تحولات این دوره است (Garfinkel, ۲۰۰۳: ۸۵). با توجه به مطالعات انجام شده، در این دوره کشاورزی به شیوه آبیاری رواج داشته است. این امر نیازمند ایجاد گروه‌ها و اتحادیه‌هایی از کشاورزان به منظور ایجاد شبکه‌های آبیاری و مراقبت از محصولات کشاورزی بوده است. بدین ترتیب می‌توان نقوش مربوط به رقص دسته جمعی بر روی سفال‌های پیش از تاریخی (هزاره‌های پنجم و چهارم پ.م) را در ارتباط با گروه‌های کشاورزان مورد مطالعه قرار داد (Ibid). بدین ترتیب مشترکات موضوعی که در این نقوش در هزاره‌های پنجم و چهارم پ.م، در نقاط مختلف فلات ایران مشاهده می‌شود، تحت تأثیر اندیشه‌ای بوده که بدون در نظر گرفتن فاصله‌ها در مکان‌های مختلف ارزش و اعتبار خاصی داشته است. در جدول شماره ۲ برخی نمونه‌های شناسایی شده از نقوش انسانی در ایران با ذکر جزئیات آنها طبقه‌بندی شده است (جدول ۲).


نقش انسانی تپه بلوچ با توجه به مقیاس زمانی دوره نوسنگی (هزاره هشتم و هفتم پیش از میلاد) و در مقایسه با نقوش انسانی هزاره پنجم، یک نمونه شاخص می‌باشد که باید در بستر زمانی خود و در چارچوب تحولات دوره نوسنگی مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گیرد. آنچه مشخص است افراد حاضر در صحنه در حال انجام حرکاتی بسیار مهم و نمادین هستند که از نظر هنرمند سفالگر ارزش انعکاس بر روی ظرف سفالی را داشته است. احتمالاً در پس این نقوش جنبه‌هایی از مراسم آئینی و تفکرات ایدئولوژیکی یک جامعه ساده نوسنگی پنهان است. وجود ساختارهای آئینی و مذهبی احتمالی در این بافتار (ساختار سنگ چین با دو شاخ یک پستاندار وحشی) جنبه‌های ایدئولوژیکی نقش انسانی بلوچ را هر چه بیشتر تحکیم می‌کند.

داده‌های قوم نگارانه نیز نوعی رقص محلی خراسان با ریتم تند را همراه با تحرک بالا و جست و گریز نشان می‌دهد که فرم بدن و حرکات دست و پاها قابل مقایسه به نقوش انسانی تپه بلوچ می‌باشد. بهر حال انجام رقص یا مراسم آئینی دسته جمعی یا..... در دوره نوسنگی نشان دهنده ظهور اولین تعاملات اجتماعی در ساختار یک جامعه ساده را به نمایش می‌گذارد.

جدول ۲: جدول طبقه بندی نقوش انسانی بر روی آثار سفالی در ایران

شماره	محل اکتشاف	موقعیت مکانی	حوزه فرهنگی	کاوشگر/ سال اکتشاف	مشخصه سفال	رنگ سفال	نوع نقش	نقوش همراه	دوره یا لایه	قدمت	منبع / محل مراجعه	عکس / طرح نقشه
۱	تپه بلوچ	شهر فیروزه نیشابور	شمال شرق	عمران، گاراژیان ۱۳۹۰	بدنه سفال قسمتی از	نخودی متماایل به قهوه ای	استلیزه انسانی	*	لایه ۱۴	نوسنگی	Garazhian , Omran ۲۰۱۳, "recent Excavation at tpeh Baluch : a Neolithic site in Neyshabur , plain , NE Iran. neo- LITHIC S ۲/۱۲	
۲	تپه موشه لان اسماعیل آباد	۶۵ کیلومتری شمال غرب تهران	فلات مرکزی و حاشیه	علی حاکمی - فاطمه نوایی - حسن طلایی ۵۶-۵۷- ۱۳۳۷	ظرف پایه دار سفالی - منقوش در داخل و خارج	قرمز متماایل به آجری با نقش سیاه رنگ	استلیزه انسانی	هندسی	*	هزاره پنجم ق.م	علی حاکمی - حفاری در تپه موشه دلان - اسماعیل آباد ساو جبلع - آثار و اشیاء چهار هزار سال قبل از میلاد - سالنامه کشور ایران/ سال چهارم ص ۱۳۲۸-۲۰۳-۳۰۷	
۳	تپه موشه لان اسماعیل آباد	۶۵ کیلومتری شمال غرب تهران	فلات مرکزی و حاشیه	علی حاکمی - فاطمه نوایی - حسن طلایی ۵۶-۵۷- ۱۳۳۷	ظرف پایه دار سفالی - منقوش در داخل و خارج	قرمز متماایل به آجری با نقش سیاه رنگ	استلیزه انسانی	هندسی	*	هزاره پنجم ق.م	علی حاکمی - حفاری در تپه موشه دلان - اسماعیل آباد ساو جبلع - آثار و اشیاء چهار هزار سال قبل از میلاد - سالنامه کشور ایران/ سال چهارم ص ۱۳۲۸-۲۰۳-۳۰۷	
۴	تپه موشه لان اسماعیل آباد	۶۵ کیلومتری شمال غرب تهران	فلات مرکزی و حاشیه	علی حاکمی - فاطمه نوایی - حسن طلایی ۵۶-۵۷- ۱۳۳۷	قسمتی از لبه و بدنه - دارای علامتی در سطح بیرونی (علامت سفالگر)	قرمز متماایل به آجری با نقش سیاه رنگ	استلیزه انسانی	هندسی	*	هزاره پنجم ق.م	علی حاکمی - حفاری در تپه موشه دلان - اسماعیل آباد ساو جبلع - آثار و اشیاء چهار هزار سال قبل از میلاد - سالنامه کشور ایران/ سال چهارم ص ۱۳۲۸-۲۰۳-۳۰۷	
۵	تپه موشه لان اسماعیل آباد	۶۵ کیلومتری شمال غرب تهران	فلات مرکزی و حاشیه	علی حاکمی - فاطمه نوایی - حسن طلایی ۵۶-۵۷- ۱۳۳۷	ظرف سفالی پایه دار - دو نقش انسانی به صورت قرینه در داخل	قرمز متماایل به آجری با نقش سیاه رنگ	استلیزه انسانی	هندسی	*	هزاره پنجم ق.م	علی حاکمی - حفاری در تپه موشه دلان - اسماعیل آباد ساو جبلع - آثار و اشیاء چهار هزار سال قبل از میلاد - سالنامه کشور ایران/ سال چهارم ص ۱۳۲۸-۲۰۳-۳۰۷	
۶	تپه موشه لان اسماعیل آباد	۴۰ کیلومتری تهران در شهریار، شمال روستای چوکین	فلات مرکزی و حاشیه	علی حاکمی - فاطمه نوایی - حسن طلایی ۵۶-۵۷- ۱۳۳۷	ظرف سفالی پایه دار دارای پنج نقش انسانی در داخل	قرمز متماایل به آجری با نقش سیاه رنگ	استلیزه انسانی	هندسی	*	هزاره پنجم ق.م	علی حاکمی - حفاری در تپه موشه دلان - اسماعیل آباد ساو جبلع - آثار و اشیاء چهار هزار سال قبل از میلاد - سالنامه کشور ایران/ سال چهارم ص ۱۳۲۸-۲۰۳-۳۰۷	

	L-Lebreton. Note sur la cévamique peinte aux environs de suse et a suse , mdp xxx.	۴۷۰۰ ق.م	اجوی	خطوط پهن	انسان های ایستاده (مسبک)	خاکستری تیره با نقش قهوه ای	لبه - بدنه / نقش در خارج - انسان ها دست روی شانه یکدیگر نهاده اند	سوبرتون ۳۸- ۱۹۳۶	غرب و جنوب غرب	۱۰ کیلومتری شمال شوش	تپه جوی	۱۳
	L-Lebreton. Note sur la cévamique peinte aux environs de suse et a suse , mdp xxx.	۴۷۰۰ ق.م	اجوی	*	انسان های ایستاده (مسبک)	زرد کمرنگ با نقش قهوه ای	بدنه نقش در خارج	سوبرتون ۳۸- ۱۹۳۶	غرب و جنوب غرب	۱۰ کیلومتری شمال شوش	تپه جوی	۱۴
	L-Lebreton. Note sur la cévamique peinte aux environs de suse et a suse , mdp xxx	۴۷۰۰ ق.م	اجوی	*	انسان های ایستاده (مسبک)	زرد یک رنگ با نقش خاکستری	قسمتی از ته یک ظرف به صورت تمام رخ	سوبرتون ۳۸- ۱۹۳۶	غرب و جنوب غرب	۱۱ کیلومتری شمال شوش	تپه جوی	۱۵
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه و تحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران " دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	۴۴۰۰ ق.م	ابند بال	خطوط هندسی	انسان های ایستاده (مسبک)	خاکستری روشن خاکستری	قسمتی از لبه - نقش در خارج از سفال به صورت زنجیروار دست در دست یکدیگر	سوبرتون ۳۸- ۱۹۳۶	غرب و جنوب غرب	۱۱ کیلومتری شمال شوش	تپه بندبال	۱۶
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه و تحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران " دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	۴۴۰۰ ق.م	ابند بال	خطوط هندسی	انسان های ایستاده (مسبک)	خاکستری تیره با نقش قهوه ای متمایل به زرد	قسمتی از لبه و بدنه - تصویر ها بین خطوط موازی به صورت افقی	سوبرتون ۳۸- ۱۹۳۶	غرب و جنوب غرب	۱۱ کیلومتری شمال شوش	تپه بندبال	۱۷
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه و تحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران " دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	*	ابند بال	نوار تزئینی در لبه	انسانی	خاکستری روشن با نقش خاکستری	قسمتی از لبه و بدنه	سوبرتون ۳۸- ۱۹۳۶	غرب و جنوب غرب	شمال غرب جلگه سوزیانا	تپه بندبال	۱۸
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه و تحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران " دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	۴۸۰۰ ق.م	سوزیانمای میانه ۲	هندسی	انسانی مسبک	نخودی با نقش قهوه ای	کاسه سفالی	هیئت اعزامی از دانشگاه شیکاگو ۱۹۶۱	غرب و جنوب غرب	در منطقه دهلران	تپه چغامیش	۱۹

	ایران "دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵											
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه وتحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران "دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	هزاره پنجم ق.م	*	*	انسانی	سبز روشن / نقش سیاه رنگ	قطعه سفال - تصویر به طور زنجیره وار دور تا دور ظرف	گویترولامیر ۱۹۰۳	غرب و جنوب غرب	در منطقه دهلران	تپه خزینه	۲۰
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه وتحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران "دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	هزاره پنجم ق.م	*	گردونه خورشید	انسانی	متمایل به زرد روشن با نقش سیاه رنگ	قطعه سفال - انسان ها هب صورت عمود بر یکدیگر در پنج ردیف قرار دارند	گویترولامیر ۱۹۰۳	غرب و جنوب غرب	در منطقه دهلران	تپه خزینه	۲۱
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه وتحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران "دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	هزاره پنجم ق.م	*	گردونه خورشید	انسانی	متمایل به سبز روشن با نقش سیاه رنگ	قطعه سفال - انسان ها به طور افقی زنجیروار قرار دارند.	گویترولامیر ۱۹۰۳	غرب و جنوب غرب	در منطقه دهلران	تپه خزینه	۲۲
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه وتحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران "دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	هزاره پنجم ق.م	*	هندسی	انسانی استلیزه	زرد روشن با نقش سیاه رنگ	قطعه سفال - تصاویر مثلث گونه با زوائد	گویترولامیر ۱۹۰۳	غرب و جنوب غرب	در منطقه دهلران	تپه خزینه	۲۳
	کاظم پور عصمتی، پروین، پایان نامه کارشناسی ارشد " تجزیه وتحلیل نگاره انسان بر روی سفالهای منقوش ماقبل تاریخ ایران "دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۵	هزاره پنجم ق.م	*	نوار پهن و باریک تزئینی	انسانی استلیزه	زرد روشن با نقش سیاه رنگ	ظرفی استوانه ای - فرم بدنه به صورت استوانه ای	گویترولامیر ۱۹۰۳	غرب و جنوب غرب	در منطقه دهلران	تپه خزینه	۲۴

فهرست منابع

کتاب‌ها

- طلایی، حسن. (۱۳۷۹). باستان‌شناسی و هنر هزاره اول پ.م، تهران: انتشارات سمت.
- گاراژیان، عمران. (۱۳۹۱). نیشابور قبل از شاپور، مقدمه‌ای برای ترجمه فارسی، در ویلکینسون، چارلز، نیشابور: برخی از بناهای اوایل اسلام و تزیینات آن‌ها، ترجمه شده توسط باکثیان.ج، مشهد: انتشارات مردیز.
- ملک شه‌میرزادی، صادق. (۱۳۸۲). ایران در پیش از تاریخ: باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، تهران: معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی.

پایان‌نامه‌ها

- صبوری، هادی. (۱۳۹۲). "بررسی فرآیندهای پس از نهشت شدن محوطه فریزی دشت سبزوار"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، منتشر نشده.
- گاراژیان، عمران. (۱۳۸۷). "فرآیند گذار از فرهنگ‌های مس-سنگی به دوره برنز در شرق شمالی ایران"، پایان‌نامه دکتری تخصصی باستان‌شناسی پیش از تاریخ، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه باستان‌شناسی.

مقالات

- گاراژیان، عمران. (۱۳۸۷b). "لایه نگاری در گمانه یک تپه برج نیشابور؛ رویکردی تفسیری"، مجله پیام باستان‌شناس، شماره دهم، صص ۱۸-۱.
- گاراژیان، عمران. (۱۳۹۰). "گزارش مقدماتی فصل اول گمانه زنی در تپه بلوچ نیشابور"، اداره کل میراث فرهنگی و صنایع دستی خراسان رضوی، منتشر نشده.
- گاراژیان، عمران. (۱۳۹۱). "تغییر الگوها طی فرآیند انتقال از دوره مس سنگی به مفرغ در شرق شمالی ایران بر اساس مطالعات سفال"، در فهیمی، حمید و کریم علیزاده، نامورنامه، یک جلد در بزرگداشت دکتر مسعود آذرنوش، تهران، گنجینه هنر، صص ۶۰۹-۵۹۷.

Ackerman, P. (۱۹۶۷). Symbol and Myth in Prehistoric Ceramic Ornament. A Survey of Persian Art ۱۴:۲۹۱-۲۹۲۹. London and New York: Oxford University.

Collon, D. (۲۰۰۳). Dance in Ancient Mesopotamia, Source: Near Eastern Archaeology, Vol. ۶۶, No. ۳, Dance in the Ancient World (Sep., ۲۰۰۳), pp. ۹۶-۱۰۲.

Dunn-Vaturi, A.E. (۲۰۰۳). Dancers in the Louvre: The Iranian and Cypriot Collections, Near Eastern Archaeology, Vol. ۶۶, No. ۳, Dance in the Ancient World (Sep., ۲۰۰۳), pp. ۱۰۶-۱۱۰.

Gabbay. U. (۲۰۰۳). Dance in Textual Sources from Ancient Mesopotamia, Near Eastern Archaeology, Vol. ۶۶, No. ۳, Dance in the Ancient World (Sep., ۲۰۰۳), pp. ۱۰۳-۱۰۵.

Garfinkel.Y. (۲۰۰۳). The Earliest Dancing Science in The Near East, Near Eastern Archaeology, Vol. ۶۶, No. ۳, pp. ۸۴-۱۰۴.

Garazhian O. (۲۰۱۳). Recent Excavations at Tapeh Baluch (Baluch Mound): a Neolithic Site in

Neyshabur Plain, NE Iran. Neo-Lithics ۲/۱۲: ۲۰-۳۱.

Garfinkel.Y.(۲۰۰۳). Dancing at the dawn of agriculture, University of Texas Press, First edition.

Garstang, J., W. J. (۱۹۳۷). Phythian-Adams, and V. Seton-Williams. ۱۹۳۷. Third Report on the Excavations at Sakji-Geuzi ۱۹۰۸-۱۹۱۱. Liverpool Annals of Archaeology and Anthropology ۲۴:۱۱۹-۱۴۰.

Mellaart. (۱۹۶۳). Excavations at Catal Huyuk, ۱۹۶۲: Second Preliminary Report. Anatolian Studies ۱۳:۴۳-۱۰۳.

Tobler, A. J. (۱۹۵۰). Excavations at Tepe Gawra, Vol. II. Philadelphia: University of Pennsylvania.